

فرجام P.K.K.

در گفت و گویی با کارشناسان

دکتر پیروز مجتهدزاده

مدیر مؤسسه مطالعاتی اروپای شرقی

و خاور میانه در لندن

◇ با توجه به تنش‌های موجود بین یونان و ترکیه، چگونه یونان در دستگیری اوجالان همکاری ترکیه شد؟

من خودم وقتی این مسأله را شنیدم تعجب کردم. توجیهی که به آن رسیدم این بود که یونان عضو ناتو است و لاجرم بایستی مقداری حرف شنوی از آمریکا داشته باشد. دوم این که، یونان به حدی دچار مشکلات و درگیری با ترکیه است که نخواسته چیز دیگری به آن اضافه کند. این احتمال، از آنجایی که ترکیه دیدی متمصبانه دارد، تقویت می‌شود. یونان می‌خواسته تا هم، آمریکا را خوشحال کند و هم خود را از دردسر دیگری آزاد کند. در این میان یک اشتباه محاسبه توسط اوجالان عملی شد. واقعیت این است که یونان یک کشور اروپایی است و در سیاست‌های خود نیز به هیچ وجه دچار احساسات نیست.

◇ علل همکاری و حمایت آمریکا از ترکیه در مقابل را در چه می‌بینید؟

آمریکا حساسیت ترکیه را در ارتباط با P.K.K. درک می‌کند و بنابراین به ترکیه کمک می‌کند تا اهداف مورد نظر خود را در منطقه‌ی جنوب شرقی اعمال کند. البته حتی آمریکا که نزدیک‌ترین متحد ترکیه است؛ به‌طور کامل با ترکیه هماهنگ نیست به‌طوری‌که در چند مورد هم به‌گردها کمک کرده است.

◇ وقایع اخیر چه بازتاب تبلیغی‌ای برای ترکیه داشته است؟

در برخورد با این قضیه، ترکیه خط بطلان بر تمام تبلیغات می‌کشد. این کشور چندین سال است که خود را دمکراتیک نشان می‌دهد. با این همه از بنیان‌های دمکراسی بسی دور است. نحوه‌ی بازداشت اوجالان و برخوردهای بعدی با آن می‌تواند وضعیت دمکراسی در ترکیه را بیان کند. دمکراسی آخرین چیزی است که در ترکیه پیاده می‌شود. تنها نتیجه‌ای که ترکیه از نظر تبلیغات جهانی به‌دست آورد، توجه جهانیان به این تناقض بود.

◇ برای اوجالان و حزب او چگونه؟

این واقعه به نفع اوجالان و P.K.K. تمام شد. چرا که اگر فرض کنیم تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان، اوجالان و P.K.K. را می‌شناختند، اکنون بیش از ۸۰ درصد از مردم جهان آن‌ها را می‌شناسند.

خواست در قضیه‌ی اوجالان دخالت کند. ایتالیا نیز خواهان اقدام جدی‌تر اروپا شد و روزنامه‌ها نوشتند: اوجالان، ترکیه را در مقابل اروپا قرار داد. و واقعیت کنونی ترکیه چنین است:

۱. واکنش آرام و رضایت‌بخش اروپا که اکنون به سمت شدت‌یابی اعتراض جدی‌تر و نگرانی‌های عمیق‌تر پیش می‌رود ترکیه می‌داند که اروپا ناچار به واکنش است و می‌خواست که اجویت صریحاً اعلام کند دادگاه اوجالان علنی خواهد بود و هزینه‌های مخالف حکم اعدام هستند.

۲. واکنش تند و توفانی گردهای جهان که ممکن است روبه خاموشی رود ولی با هر جرقه‌ای ممکن است شعله‌ور شود در حقیقت ترک‌ها اشتباه کردند آن‌ها با دستگیری اوجالان آتش را به خود نزدیک کردند اوجالان تنها نیست و محدود به ۵ هزار چریک داخل و ۳۵۰۰ چریک خارج از کشور نیست فقط در یک گردهمایی حزب پ.ک.ک در یک کشور اروپایی نزدیک به ۸۰ هزار نفر شرکت کردند و بعد از دستگیری وی واکنش تند گردهای داخل کشور ترکیه که منجر به حکومت نظامی در اکثر شهرها شد گواه این مدعا است.

۳. واکنش احتیاط‌آمیز و گاه اعتراض‌آمیز کشورهای منطقه نسبت به همکاری‌های نزدیک‌تر ترک‌ها با اسرائیلی‌ها این نگرانی در منطقه وجود دارد که اسرائیل کم‌کم ریشه بدواند بستن قرارداد با ترکیه که یکی از کشورهای مهم منطقه محسوب می‌شود موفقیت بزرگی برای خاخام‌هاست و طبیعی است که نگران‌زا باشد.

۴. واکنش گردهای منطقه نسبت به دستگیری اوجالان چه در عراق، سوریه و ایران علی‌رغم تفاوت بسیار در شرایط محیطی، اجتماعی و آرمانی شان نشان‌دهنده‌ی یک چیز بود «من درد مشترکم، مرا فریاد کن».

به‌هر حال اکنون اوجالان در مرمره است و شاید از آن‌چه که در جهان می‌گذرد کلمه‌ای نداند او اکنون با کشمکش مرگ و زندگی روبه‌روست جدای از تمامی معادلات سیاسی او هم انسانی است که رگ و پی دارد و نهایت توان مقاومت. ممکن است ترکیه مدعی باشد که اوجالان زیر فشار روحی و شکنجه‌ی جسمی نیست. ولی واقعیت‌های حاکم بر یک اسیر را فقط او می‌داند و برای همیشه پوشیده خواهد ماند ممکن است ترک‌ها برای کاری‌تر کردن ضربه‌ی روحی بر دشمن بخواهند چهره‌ی قهرمان حماسی‌شان را مخدوش کنند، تحقیرش سازند و بر صفحات تلویزیونی چهره‌ی شکست‌خورده‌ی وی را در حال اعتراف نشان دهند، اما همگان می‌دانند که این واقعیت جنگ است و تأثیرش کوتاه‌مدت و جز عمیق‌تر کردن کینه‌های دو ملت که در کنار هم می‌خواهند زندگی کنند، ثمری ندارد، معلوم نیست ژنرال‌ها عاقل‌تر باشند یا جاسوس‌ها یا سیاست‌مدارها ولی تا به حال نسیمی از تعقل از آن سوی، احساس نشده است. روزنامه‌ها نوشتند اوجالان آخرین چریک قرن، آخرین چریک قرن اگر اوجالان باشد نمی‌تواند بمیرد.

◇ مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد کردها چگونه است؟

ما با توجه به وضعیت جغرافیایی خاصی که داریم که در ابعادی، این موقعیت جغرافیایی، ما را با ترکیه هماهنگ می‌سازد اصل این است که در روابط بین‌المللی، هر دولتی بایستی منافع ملی خود را در نظر بگیرد. ما فقط باید نگاه کنیم و از نزدیک مسائل را به دقت زیر نظر داشته باشیم. ما شرایطی در منطقه داریم که بسیار حساس و شکننده هستند. ما نمی‌توانیم اقداماتی که فروریختن مرزها را به دنبال داشته باشد، دست بزنیم.

◇ علل اساسی ناکامی جنبش‌های کرد در رسیدن به اهدافشان چیست؟

جنبش کرد ۳۰۰ ساله است. در این مدت متأسفانه سوء استفاده‌های فراوانی از آن‌ها شده است. با یک حرکت ترکیه، کرد ترکیه و کرد عراق، با هم می‌جنگند. متأسفانه از این‌که بایستی اعلام کنم که بزرگ‌ترین دشمن کرد، عمده رهبران کردها هستند. آلت دست شدن، حمایت نمی‌آورد. شما باید برای حامی منافع ایجاد کنید تا حامی، حمایت کند.

◇ اسرائیل در کمک به ترکیه برای سرکوبی کردها چه اهدافی دنبال می‌کند؟

هدف کلی این است که ایالات متحده ناتو را به طرف خزر بیاورد و اسرائیل به وسیله‌ی ترکیه به خزر نزدیک شود. این، یک طرح ژئوپولیتیک کلان هست که می‌بایستی، بسیار مورد توجه قرار گیرد. واقعیت این است که گسترش ناتو، منبع اصلی خطرات شمال ایران است.

دکتر محمدعلی مهتدی

سرپرست مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه‌ای وزارت امور خارجه و مدیر مسئول فصل‌نامه‌ی خاور میانه

◇ چرا اوجالان فعالیت خود را با ادبیات چپ آغاز نمود و به جنگ مسلحانه روی آورد و آیا به همین علت نیست که مورد بی‌مهری دولت آمریکا قرار گرفته است؟

اوجالان در دهکده‌ای نزدیک مرز سوریه، از یک خانواده کشاورز به دنیا آمده است. در طول زندگی معنی فقر و حرمان را چشیده است. ناسیونالیسم ترکی که در بسیاری موارد حالت شوونیستی به خود گرفته همراه با فشارهای اجتماعی، اقتصادی و... همه باعث شد که او نیز همچون دیگر مردهای ترکیه خود را شهروند درجه‌ی ۲ بداند. همین حس حقارت و مظلومیت باعث شد پدیده‌ی اوجالان امروزی شکل گیرد.

اصولاً در سال‌های دهه‌ی ۷۰، جنبش‌های آزادیبخش در

سراسر جهان، روش چریکی را انتخاب کردند. زیرا در چهارچوب‌های مبارزاتی آن زمان، اکثراً، تفکرات لنینیسم، مارکسیسم و مائویسم، نفوذ بسیاری روی مبارزات آزادیخواهانه داشت. اوجالان با همکاری عده‌ای دیگر از کردها، ابتدا جبهه‌ی آزادیبخش کردستان را ایجاد نمود و سپس حزب کارگران کردستان را تشکیل داد. الگویی از مبارزات چریکی چپی که در آمریکای لاتین در جریان بود، باعث شد که اوجالان در آن زمان نبرد مسلحانه را تنها راه احقاق حقوقی کردها بداند. از طرف دیگر، وجود کشور لبنان به عنوان محفل مبارزین منطقه و فعالیت سازمان‌های فلسطینی در آنجا در انتخاب عملیات مسلحانه نقش به‌سزایی داشت.

◇ آیا اوجالان از وضعیت حاکم بر کنیا بی‌خبر بود؟ اصولاً چه شد که وی به کنیا رفت؟

اوجالان وقتی از ایتالیا خارج شد، تنها ماند. یعنی خودش و چند نفر محافظ. طوری که ارتباط مستمر خود را با هیأت‌های سیاسی و مشاورینش در P.K.K از دست داد. از نظر روان‌شناسی نیز، در به‌دوری‌های ماه‌های اخیر در روسیه و اروپا، تأثیر بسیار زیادی بر او گذاشت. گفته‌های اخیر اوجالان - به‌خصوص در هواپیما - نمود اثرگذاری این وقایع بر روان وی و ایجاد استرس‌های شدید عصبی در وی بود. این جاست که به‌زاحتی تسلیم وعده‌های یونانی‌ها می‌شود، بدون آن‌که فرصت تفکر و رایزنی را داشته باشد. اعتماد شدید وی به یونانی‌ها - تنها با توجه به تعارض یونان و ترکیه - عدم توجه به شرایط خاص نایروبی از نظر امنیتی که عملاً در دست سیا و موساد است، اشتباه بزرگ و جبران‌ناپذیر اوجالان بود. این را نباید نادیده گرفت که پس از انفجارهای مراکز آمریکایی و اسرائیلی در نایروبی، دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل حضور فعالی در آن منطقه داشتند. اصولاً موساد تجربیات موفقی از عملیات جاسوسی در شاخ آفریقا دارد.

◇ با توجه به دشمنی دیرینه‌ی یونان و ترکیه، اقدام این کشور در همکاری با دولت ترکیه برای دستگیری اوجالان جای چند و چون بسیار دارد، چگونه می‌توان همکاری این دو دشمن دیرینه را توجیه کرد؟

دخالت یونان و رفتار این کشور را می‌توان با چند تحلیل توضیح داد. این نظرات به‌طور خلاصه به ۳ بخش تقسیم می‌شود.

۱. فشار آمریکا روی یونان به طوری که مانع از آن شد که یونان به صورت مخفی به اوجالان پناه دهد.
۲. این‌که این جریان با نظر رسمی دولت یونان صورت نگرفته، بلکه یک تصمیم «مخفی» بوده است. وقایع بعد از دستگیری اوجالان در یونان و استعفای چند وزیر از کابینه، این فکر را قوت می‌بخشد.
۳. مسأله‌ی استقرار موشک‌های یونان در قبرس. این



موشک‌ها ساخت روسیه است که قرار بود در قبرس متمرکز شود. از یک طرف این جا احتمال معامله‌ای ۳ جانبه بین یونان، ترکیه و روسیه وجود دارد. (عدم اعطای پناهندگی به اوجالان از سوی روسیه این نظر را تأیید می‌کند).

و از طرف دیگر، خبرهای تأیید نشده‌ای وجود دارد مبتنی بر توافق روسیه و ترکیه بر سر عبور لوله‌های نفت آذربایجان. بنابراین اخبار، ۲ ماه پیش ملاقات‌هایی در داووس سویس انجام شده است. این ملاقات‌ها که میان شرکت نفتی آمریکایی شورون و نمایندگان از روسیه و ترکیه بوده و قرار شده که از یک طرف مسأله‌ی عبور نفت آذربایجان از طریق خاک روسیه انجام گیرد (به جای عبور از ترکیه) و از طرفی دیگر، روسیه دست از حمایت اوجالان بردارد. لذا، می‌توان احتمال داد که در چهارچوب همین توافقی‌ها روس‌ها، یونان را نیز تطمیع کرده‌اند.

◇ آیا شما تشکیل یک حکومت مستقل کرد را در آینده پیش بینی می‌کنید؟

تغییر نقشه‌ی جغرافیایی منطقه و ایجاد کشورهای کوچک و ضعیف، بر اساس قومیت‌ها، طرحی است که اسرائیلی‌ها در منطقه دارند.

اما تجربه نشان داده است که توافق‌نامه‌ی سایکروویکو، و توافق‌نامه‌ی یالتا، در عمل تغییرناپذیر است. تشکیل یک دولت مستقل کرد در منطقه، با این فرض که بخش‌هایی از ایران، ترکیه، سوریه و عراق را شامل شود، جداً امکان‌پذیر نیست. هدف قدرت‌های بزرگ در عنوان نمودن این مسائل تنها این است که از کردها به عنوان یک اهرم فشار استفاده کنند و با ایجاد امیدهای کاذب میان کردها و فریفتن و سوء استفاده از آن‌ها، از این ملت در داد و ستدهای سیاسی خود در منطقه استفاده کنند.

واقعیت این است که قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای وضعیت کردها دل‌سوخته نیستند. بلکه همواره در اندیشه‌ی این برنامه هستند تا چگونه می‌توانند از مسائل، در چهارچوب سیستم پیچیده‌ی خود، و البته، به سود منافع خویش، عمل کنند. متأسفانه اکثر احزاب و گروه‌های کرد در خارج از ایران و در یک دوره حتماً داخل ایران، به این شکل ظالمانه مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند.

تجربه‌ی تاریخی نشان داده است، که هرگاه قدرت‌های بزرگ به اهداف سیاسی خود نائل آمده‌اند، کردها را رها کرده‌اند. خاطره‌ی ملامصطفی بارزانی، سازمان‌های کرد عراقی و در همین اواخر سرنوشت اوجالان، برهانی بر این مدعا است.

در این میان هدف اسرائیل هم از نفوذ در کردستان عراق،

انجام عملیات تخریبی علیه ایران و دولت مرکزی عراق است. در کشورهای که بالقوه تهدیدی علیه اسرائیل در منطقه به حساب می‌آیند.

◇ واکنش دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به رخدادهای اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وضع کردهای ایران با کردهای عراق، سوریه و ترکیه،

به کلی، متفاوت است. کردها، نه عرب هستند، نه ترک، کردها ایرانی هستند. زبان، سنت و دین آن‌ها، با ایرانیان یکی است. در جمهوری اسلامی به هیچ عنوان کردها شهروند درجه‌ی دوم محسوب نمی‌شوند. با استناد به این مسائل، ایران به عنوان یک وظیفه‌ی دینی و ملی، بایستی به مسأله‌ی کردها توجه داشته باشد و از منافع آنان دفاع کند. حتماً اگر در این شرایط دولت جمهوری اسلامی به دلایل روابط سیاسی و معاهده‌های بین‌المللی نمی‌توانست مستقیماً در این جریان دخالت کند. با یان همه می‌بایستی نهادهای غیردولتی، پرچمدار این جریان می‌شدند. در واقع پس از آن‌که ده‌ها سال مسأله کردها مورد بهره‌برداری آمریکا و اسرائیل قرار گرفته بود. در ارتباط با وقایع روی داده در داخل هم، جمهوری اسلامی بایستی دو کار را همزمان انجام دهد. اول این‌که به نحوی عمل کند که هیچ فردی احساس نکند شهروند درجه‌ی دوم هست بلکه همه شهروند درجه‌ی یک هستند. کوچک‌ترین اشتباهی که در این زمینه از سوی هر نهاد یا مسئولی انجام گیرد، نتایج بسیار وخیمی به دنبال داشته و زمینه را برای فعالیت سؤاستفاده‌کنندگان هموار خواهد کرد. مسأله‌ی دوم حساسیت عالمانه و نگاه علمی از سوی مراکز و نهادهای درگیر با این قضیه است.

این اصل در اسرائیل وجود دارد که امنیت اسرائیل در گرو ایجاد ناامنی در کشورهای دیگر است. یعنی بر خلاف آن‌چه که در عرف بین‌المللی وجود دارد، عملکرد اسرائیل در مصر، لبنان، سوریه، عراق و... شامدی بر این مدعا است.

دکتر اسدالله اطهری

محقق و کارشناس امور ترکیه

◇ تفکرات پان ترکیسم و طرد اقلیت‌های قومی در ترکیه از کجا نشأت می‌گیرد؟

پس از تأسیس جمهوری ترکیه توسط آتاتورک در سال ۱۹۲۳، حکومت ترکیه از شکل دینی به حکومتی سکولار تبدیل شد. در این نوسازی به سبک غربی، هر آن‌چه که مانع یکپارچگی ترکیه شود، حذف می‌گردد. گسستن پیوند با گذشته، لایک شدن حوزه‌های مختلف اجتماعی و طرد اقلیت‌های قومی، لازمه‌ی پیاده شدن تفکرات آتاتورک بود. بعدها تئوریسین‌هایی همچون نجیب آسم، سلیمان پاشا و ضیاء دوگر، در صدد ایجاد هویت ترکی نوین برای ترکیه برآمدند. حتماً خود را مرتبط به قومیت‌های تاریخی همچون تمدن آناتولی به ویژه، تمدن هیتی‌ها دانستند. اما، اشتباهی که در این جا صورت گرفت این بود که به جای جنبش مدرنیته، نوعی حرکت ویسترنیزیشن (غرب‌گرایی) ایجاد شد. یک‌سان انگاری که در تفکرات رهبران ترکیه وجود داشته و دارد، درست برخلاف آن چیزی است که در غرب اتفاق افتاد. هیچ اقلیتی در غرب طرد نشد، و یا اگر هم شد، پس از مدت کوتاهی به عرصه آمد. وضعیت زنان و کارگران در غرب نمود عینی این دیدگاه است.

◇ حزب دمکراتیک چپ ترکیه، خود یک جریان

سوسیالیستی است و حتا از خواهان آزادی پیش تر به کردها بود. چگونه پس از به قدرت رسیدن این حزب رویه و سیاست های دولت ترکیه نسبت به P.K.K تغییر نکرد؟ بلند اجویت یکی از سرسخت ترین طرفداران دفاع از کردها بود، وی از حزب دمکراتیک چپ بود. اما این حزب، هم اکنون دچار نوعی سردرگمی ایدئولوژیک شده است و کاملاً تحت سلطه نظامیان است.

کودتای ۹۰ نیز نمود دیگری از غالب بودن تصمیمات نظامیان بود. اربکان نیز با شعار و قول بهبود وضعیت کردها، توانست بیشترین آراء را از کردها بگیرد که نظامیان با نخستین کودتای سفید یا «کودتای پست مدرن»، اربکان را از صحنه حذف کردند.

واقعیت این است که ما در ترکیه ۲ نوع حکومت داریم. یک دولت پادگانی و یک دولت محصول جامعه مدنی. تصمیم گیری های کلی و عمده در مورد امنیت ملی را «دولت پناپارتی» بر «دولت مدنی» دیکته می کند.

◇ سرچشمه نفوذ نظامیان در نظام سیاسی و تصمیم گیری ترکیه کجاست؟

اولین گروه هایی که در معرض تجدد و مدرنیته قرار می گیرند روشنفکران و نظامیان هستند، نه طبقه روستایی و تجاری. اما در ضعف گروه های بورژوا و روشنفکری، این نظامیان هستند که ابتکار عمل را به دست می گیرند. در مورد ترکیه ائتلافی از روشنفکران و نظامیان جوان، انقلاب را به وجود آورد. روشنفکران در حیطه ایدئولوژی و نظامیان در حوزه عمل و اجرا فعال بودند. حضور فعال نظامیان ترکیه را از جنبه دیگری هم می توان بررسی کرد. دولت عثمانی یک حکومت نظامی بود. این بنی چرها بودند که امپراتوری عظیم عثمانی را ساختند. در انقلاب ترک های جوان و نسل اول نظامیان ترکیه امروزی هم همین بنی چرها بودند. در نتیجه نظامیان مدعی اند که مردم ترکیه بایستی مدیون آنها باشند و خود را متولی و حافظ اصول پتان ترکیسم می دانند.

◇ به چه جهت آمریکا و سایر دول غربی نسبت به کردهای ترکیه و کردهای عراق سیاست های یکسانی اعمال نمی کنند؟

به نظر می رسد که آنها از کردهای عراقی حمایت می کنند در حالی که نه تنها نسبت به سرکوب کردهای ترکیه بی تفاوتند، از دولت ترکیه نیز در سرکوبی جنبش های کرد حمایت می کنند.

آنچه که در شمال عراق می گذرد، متفاوت است. من در این تحلیل با شما مخالفم. تشکیل حکومت منطقه ای در شمال عراق و به میان آمدن تفکر فدرالیزه کردن کشور عراق زمانی امکان پذیر شد که دولت مرکزی در ضعف قرار گرفت. من اشاره می کنم که در عراق ما یک شمال گردنشین و یک جنوب شیعه نشین و یک مرکز سنی نشین داریم. تضعیف دولت مرکزی، نفوذ بیش تر در منطقه و بردن سود اقتصادی بیش تر، از محل فروش سلاح به عرب ها از جمله اهداف آمریکا در دفاع از کردهای شمال عراق

است.

آخرین تحلیل ها مؤید این نکته است که آمریکایی ها خواهان کنار گذاشتن صدام بدون فروپاشی عراق هستند. در مورد خود کردها هم باید بگویم، هر کدام از گروه های کرد در چهارچوب کشور خود، شکل خاص خود را دارند. مثلاً بارزانی با حمایت از ترکیه علیه P.K.K منافع خود را در اتخاذ این استراتژی دانست.

◇ آینده ی جنبش های کرد را چگونه پیش بینی می کنید؟

پدیده ی اوجالان علت نیست، معلول است. نیروهایی که یک سابقه ی تاریخی در یک ملت دارند را نمی توان نابود کرد. می توان مبارزه کرد. تضعیف کرد. کوچ اجباری می توان داد. منطقه را می توان پادگانی کرد؛ اما یک ملت را نمی شود نابود ساخت.

ترکیه با این اعمال، هم، برای خود و هم برای همسایگان مشکل ایجاد نمود. نقض حقوق بشر در ترکیه به صورت تجاوز فرهنگی ترکی است به حقوق اقلیت ها. نمی توان با آپارتاید از جمله با آپارتاید قومی و نژادی، یک ملت را سرکوب کرد. در واقع، رهبران کرد، محصول افکار عمومی کردها هستند.

◇ روابط نزدیک دولت اسرائیل با ترکیه چه نقشی در جریان سرکوب جنبش کردها داشته است؟

روابط اسرائیل و ترکیه را متأسفانه بیش تر مطبوعات آن گونه که شایسته است بررسی نکرده اند. همکاری نظامی و اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۶ وارد مرحله ی جدیدی شده است. باید به این نکته اشاره کرد که یکی از دلایل عمده ی نزدیکی ترکیه به اسرائیل تلاش برای سرکوبی P.K.K بوده است. همکاری های اطلاعاتی در جهت پایگاه های P.K.K تحویل هواپیماهای جاسوسی و بدون سرنشین موسوم به A.F.C با بردی بیش از ۱۵۰ کیلومتر، قدرت پرواز بیش از ۶ ساعت و ارتفاع پرواز تا ۱۰ هزار متر، فروش سیستم هشداردهنده ی هوایی از طرف شرکت D.H.I.F فروش ادوات رزم شبانه با

اگر در گذشته

امپراتوری عثمانی

«دین» را

ابزار سرکوب

قرار داده بود

دولت های ترکیه

در قالب اندیشه ی نژادگرایانه

سیاست قوم کشی

و پاک سازی نژادی

را

به مورد اجرا گذارده اند

بنیان‌های تاریخی کردان

عبدالله مرادعلی بیگی

با توجه به این که بررسی به عمل آمده از مسأله کرد در شماره اخیر آن مجله محترم، جدا از وابستگی تباری، فرهنگی، تاریخی و سرزمینی کردها با دیگر ایرانیان به عمل آمده بود، شرح کوتاه زیر تقدیم می‌گردد:

علمای تاریخ و نژاد بر استواری این رأی که تیره‌های «کرد» از اصیل‌ترین تیره‌های ایرانی هستند اتفاق نظر دارند.

به عقیده زبان‌شناسان، زبان کردی با لهجه‌های گوناگون آن، ضمن آن که خود یکی از فروع زبان کهن ایرانی است، با فارسی رایج، در الفاظ و معانی، قرابت و پیوستگی بی‌مانندی دارد. به طوری که پیش‌تر واژه‌های دو زبان، هم در ریخت لفظ و هم در ساخت معنی، از یک ریشه‌ی مشترک مشتق می‌گردند. از سوی دیگر آن دسته از واژگان باستانی که در زبان کردی به کار می‌رود، میان دیگر تیره‌های ایرانی، چونان گیل، تات، پشتون، تاجیک و... هم چنان بکارگفتار می‌آید.

آیین‌های ایرانی، مانند نوروز، مهرگان، و سده، میان کردان باشکوه بی‌مانندی برپا می‌گردد و از تقدس ویژه برخوردار است تا امروز هم در میان گروه‌های بزرگی از کردان که به فرقه‌های کهن دینی این سرزمین منسوبند، ردپای بسیاری از باورهای «معانی»، «مزدکی»، «زروانی» و «مانوی» دیده می‌شود که نمادی از اعتقاد مشترک باستانی آنان یا کیش‌های ملی ایرانی می‌باشد.

از این گذشته روایات تاریخی، طایفه مغان، نگهبان دین باستانی ایران را از قوم ماد، یعنی از تیره کردان معرفی می‌کنند. وجود آتشکده‌ی بزرگ «آذرگشنسب» در تخت سلیمان که آتش مقدس آن بیش از هزار سال خاموشی نگرفت، این نظر را تقویت می‌کند.

به گواهی تاریخ از همان آغاز که سرنوشت مشترک و تاریخی اقوام ایرانی رقم‌زده می‌شود، کردان نقش بنیادینی در شکل‌گیری محتوم آن داشته‌اند. چنان‌که در جنبش بزرگ ایرانی نژادان آریایی برای جای‌گیری در بخش‌های باختری و جنوبی فلات ایران، کردان به همراه پارسیان پیش‌آهنگ دیگر ایرانیان بوده‌اند. دولت بزرگ ماد که نخستین دولت ایرانی پایه‌گرفته بر فلات ایران بود، «کرد» شمرده می‌شد. زیرا که مادها، اسلاف کردها هستند. کورش که توانست آرمان مادها را تحقق بخشد و فلات ایران را به زیر یک پرچم درآورد، از سوی مادر نسبت به کردان می‌برد. اردشیر بابکان بنیان‌گذار دولت بزرگ ساسانی که نسبت به بازرنگیان، گردتبار به شمار می‌آمد.

روایت‌های تاریخی به روشنی می‌نمایاند که طایفه‌ی «بازرنگیان» فارسی از تیره کردان آن سرزمین بوده‌اند، همان‌گونه که طایفه‌ی شبان‌کاره هم که از اواخر دوره‌ی آل بویه طی چند

قابلیت نصب روی هلی‌کوپترهای جنگی، فروش موشک‌های پیشرفته‌ی موسوم به P.T.P.T.I تنها جزئی از همکاری‌های اسرائیل و ترکیه هستند.

هم‌اکنون نیز یک پیمان امنیتی، موسوم به پیمان امنیتی خاورمیانه در حال شکل‌گیری است. در قالب این پیمان، ترتیبات امنیتی جدیدی اتخاذ می‌شود. به این صورت که از آذربایجان در قفقاز شروع می‌شود، از ترکیه واردن می‌گذرد، اسرائیل رادر می‌نوردد و دست آخر، در آفریقا به مراکش ختم می‌شود.

با همه‌ی این احوال مردم کرد، به صورت سنتی فکر می‌کردند اسرائیل یکی از مدافعین آن‌هاست. اما دستگیری اوچالان مهر مردودی بر این رأی نهاد.

◇ جریانات اخیر چه تأثیری بر سرنوشت کردهای ترکیه خواهد داشت؟

اوچالان، مسأله‌ی کردها را یک مسأله‌ی بین‌المللی کرد. با اعدام کردن او، ملان از او یک مسأله‌ی ملی می‌سازند. اگر هم زنده نگه دارند باز مسأله‌ی کردها حل نشده باقی می‌ماند. البته ترک‌ها فراتر از این فکر می‌کردند؛ مخصوصاً نظامیان این کشور. در حال حاضر اوچالان به یک رهبر «کاریزماتیک» تبدیل شده است. نظامیان هنوز P.K.K را یک گروه تروریست معرفی می‌کنند. اما تظاهرات عمومی و سراسری کردها در جهان از روسیه گرفته تا اروپا، خودسوزی‌ها، اعتصاب غذاها و... همه نشان می‌دهد که P.K.K در قلب مردم کرد جای دارد.

پس همان‌طور که با دستگیری مرد شماره‌ی P.K.K، مسأله حل نشد، با موضوع اوچالان هم مشکل هم چنان برقرار خواهد ماند.

◇ واکنشی که کردهای ساکن ترکیه نسبت به دستگیری اوچالان چگونه بود؟

ششمین کسنگری P.K.K، چند روز قبل از دستگیری اوچالان در شمال عراق تشکیل شد. در این کنگره از حزب دمکراسی خلق ترکیه H.A.D.E.P در انتخابات ۱۸ آوریل حمایت شد. همان حزبی که دادگاه قانون اساسی ترکیه، آن را به جرم همکاری با کردها، به محاکمه فراخواند. اوچالان را شدیداً حمایت کردند. این‌ها اعلام نمودند که روابط آن‌ها با حزب دمکرات کردستان عراق و شخص بارزانی رو به بهبود است و اروپا را به سبب اخراج اوچالان و عدم اعطای پناهندگی به وی، به شدت نکوهش کردند.

ملا مصطفی بارزانی

با اعلام این نظر که

«هر کجا کرد زندگی می‌کند

آن جا ایران است»

همواره بر پیوند

ناگسنتی تاریخی و نژادی کردان

با دیگر ایرانیان

تأکید داشت